

دنیا با سهم مشترک یا تقسیم دنیا؟

یک مفهوم تازه قضایای دربین ملل
حق بشریت در منابع کره زمین

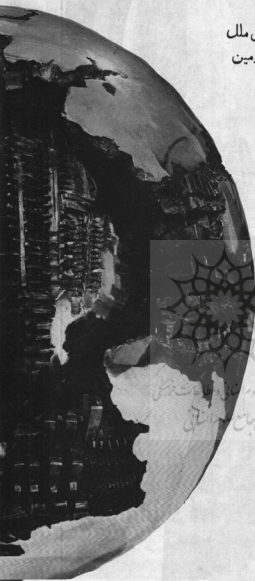
نوشته محمد بجاویسی

چنین بنظر می رسد که برقراری هر گونه حقوق بین المللی جدید با این مسئله خطری بستگی داشته باشد که در جریان یافتن جدید میان اصل حاکمیت دولتها و اصل میراث مشترک چه شرایط و شروطی را باید برای منابع کره زمین در نظر گرفت؟

کارهای مربوط به تدوین حقوق دریایی نشان داده است که بشر مجبور به پرداخت چاره‌های مستگنی شده تا مفهوم میراث مشترک بشری بتواند اعتباری را که درخور است به دست آورد. یک سوم سطح اقیانوسهای جهان بشکل یک منطقه اقتصادی که وسعت آن طبق تصمیمات کنفرانس مربوط بحقوق دریایی (۱۹۷۴) و قوانین ملی تا دوپست میل کنترش پیدا کرده به سی و پنج کشور اختصاص داده شده و بنابراین مناطق وسیعی از کره زمین از حیطة شمول اجرای اصل میراث مشترک بشری مستثنی گشته‌اند. علاوه این میراث بگونه‌ای ترتیب یافته که می‌تواند برای آزادی دولتها، دست کم برای آزادی دولتهای برخوردار از قدرت فنی و مالی در جهت دستیابی به پیشرفت و موفقیت فرستهای سهمی فراهم آورد. (به مقاله «اقیانوس به چه کسی تعلق دارد» در شماره پانجمین سال ۱۳۵۶ مجله پیام یونسکو مراجعه کنید).

همچنین اگر کسی بشود مربوط به حقوق و وظائف اقتصادی دولتها را که در دوازده دسامبر سال ۱۹۷۴ توسط مجمع عمومی ملل متحد تصویب شده مطالعه کند در می‌یابد که این بیمن نشانهای گوناگونی را در بردارد. در این بیمن، حاکمیت آشکارا

محمد بجاویسی Mohammed Bedjaoui سفیر جمهوری دموکراتیک الجزایر در فرانسه، از وزرای پیشین الجزایر و نماینده دائمی این کشور در سازمان یونسکو است. او همچنین عضو کمیسیون حقوق بین المللی ملل متحد و عضو وابسته انجمن حقوق بین المللی است. این مقاله از یکی از آثار وی بنام «برای ایجاد یک نظام نوین اقتصاد بین المللی» که نخستین اثر از مجموعه آثار یونسکو تحت عنوان «امتیازات تازه بحقوق بین المللی» بشمار می‌آید برگرفته شده است.



مورد ستایش قرار گرفته و خاصه در مورد کشورهای فقیر لازم و مفید شمرده شده‌است. زیرا بدینسان خواسته‌اند که برای اینگونه کشورها بشود کسب حیثیت و اعتبار جهانی و محترم شمردن حقوقشان مزیت قائل شوند. حق مطلق برای انتخاب نظام اقتصادی و سیاسی، اجتناب و فرهنگ، برای اعمال حاکمیت کامل و دائمی روی همه ثروتها و کنترل فعالیتهای مربوط بشرکتها بین المللی و سرمایه گذاریهای خارجی، برای عدم قبول یا هرگونه تبعیض

پوشگاه علوم و معارف گیتی
پرتال جامع دانش

تجارتی در چهارچوب همکاری بین‌المللی، برای تشکیل هرگونه شرکتی از تولیدکنندگان با کشورهای دیگر و برای مشارکت در صادرات فنی و بهره‌مندی از آن، در کشور مربوط به جنبه‌های بشماره‌تقسیم‌بندی نشده که تمامی آنها پیش از همه تصویب از حاکمیت اقتصادی پاز یافته کشورهای رو توسعه را منعکس می‌سازند. البته در هیچ جامی، اعمال این حق حاکمیت که با این عبارات بیان گردید تنها مختص کشور-های جهان سوم شمرده نمی‌شود. ولی همه می-

دانند که کشورهای ثروتمند همیشه اختیار و قدرت را نه تنها در داخل مرزهای خود بلکه در کشورهای دیگر نیز در دست داشته‌اند و نظر باین واقعیت تاریخی، تاکید در مورد این حق حاکمیت و تجدید شناسایی آن بطور رسمی نه‌بخطر آنها بلکه بخطر کشورهای کم توسعه دیگری که تاکنون از آن محروم بوده‌اند صورت گرفته است.

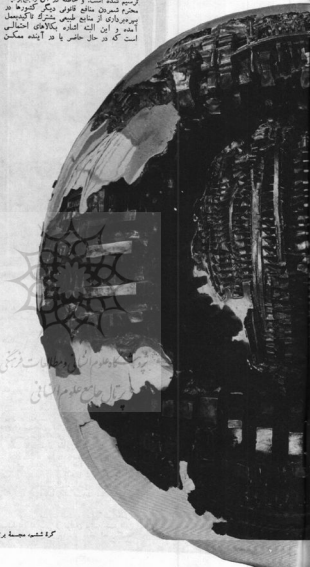
چنین نظر می‌رسد که در منشور طرحی از نظریه مسئولیت با مسئولیت‌ها هر که در قبال این حق حاکمیت بدولت‌ها تحمیل می‌شوند ترمیم شده است. و خاصه در آن راجع بوظیفه محترم شمردن منافع قانونی دیگر کشورها در پرورداری از منابع طبیعی مشترک تاکید بعمل آمده و این البته اشاره بکلاه‌های احتمالی است که در حال حاضر یا در آینده ممکن

است مشمول اجرای مفهوم میراث مشترک بشری قرار گیرند. و وظیفه دولت‌ها در کمک به توسعه تجارت جهانی و فراهم آوردن موجبات پیشرفت نه فقط ملت‌هاشان بلکه ملل دیگر نیز اشاره باین نظریه «هیستنگ» دارد که پس گسترش احتمالی ابعاد مفهوم میراث مشترک استوار است.

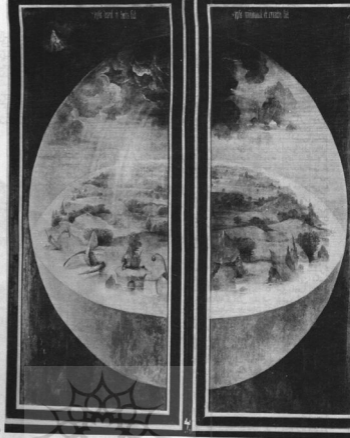
پدینسان دو گرایش که اکنون اندک اندک پدید می‌آیند و ضمن همزیستی اثر خود را روی حقوق بین‌المللی در حال تکوین می‌گذرانند کاملاً نامبرگزار و احمقانه‌ترین نظر می‌آیند. یکی از این گرایش‌ها در مغایله حاکمیت دائمی همه کشورهای روی مناسبات ثروتمندی طبیعی‌شان خلاصه می‌شود. برخی از حقوقدانان این ادعا را بسیار ناشایست می‌شمرند. این خواست را که از طرف برخی به عنوان «دستی حاکمیت» و از سوی برخی دیگر به عنوان «فقرت‌های»ترین حاکمیت توصیف می‌شوند، همه از جنبه نمای تاریخی‌اش بطیون انگیز می‌که موجب درگونی‌های طبیعی برای ایجاد یک دنیای عادلانه‌تر گردد، تلقی نمی‌کنند.

گرایش دیگر به «امنیت اقتصادی»ست جمعی و در بین حال مفهوم میراث مشترک بشری مربوط می‌شود. برخی دوی این نکته شدیداً تاکید می‌ورزند که این ادعا برای مخالفت با گرایش نخستین موجود آمده است و همین جهت در میان کشورهای جهان سوم مشکوک نظر می‌آید. در واقع، این نکته کاملاً آشکار است که برخی از گرایش‌های فکری در غرب دیرتر از موقع به محاسن امنیت اقتصادی جمعی می‌برده‌اند و از این محاسن بیش از آنکه برای استقرار تدریجی یک نظم نوین اقتصادی حقوق عادلانه‌تر استفاده بعمل آمده بعنوان توجیهی برای ادامه دست‌نهایی به منابع مهم و حیاتی جهان سوم - که با ترمیم راست ادعای حاکمیت مطلق بر آن را دارد - بهره‌گیری می‌شود.

در درجه اول باید توجه داشت که اگر برای کشورهای جهان سوم این مسئولیت تعیین گردد که در چهارچوب قوانین ملی خود اداره منابع طبیعی‌شان را، از آنرو که مورد نیاز سراسر جهان است، بعهده‌گیرند شرط لازم و قلی عبارت از شناخت حقیقت ادعای آنها برای کنترل واقعی این مناسبات است. واضح است که ایجاد وابستگی و هیستنگی میان کشورها در جهان براساس مدل منطبق منتسب استقلال و حاکمیت اقتصادی و منطبق بر توسعه و نیز آمادگی همه کشور-ها برای عهده‌دار شدن مسئولیت‌های انفرادی و جمعی در جامعه بین‌المللی، همسود همگان است. در درجه دوم ذکر این نکته لازمست که اگرچه کشورهای جهان سوم در اسراز تردید نسبت به مشترک ساختن یک جانبه منابع طبیعی خود بنام یک اندیشه نوگرایانه کاملاً حق دارند ولی مفهوم «حاکمیت اقتصادی» دست جمعی و «میراث مشترک بشری» در صورتیکه متضانه و بیفرسائه در مورد همه



مجله علمی و مطبوعات فرهنگی
انتقال جامع علوم انسانی



در دایره که تا حد يك «هکته جهان» کوچک شده دیگر نمیتوان برای مسائلی که حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری از منابع طبیعی آنها را مطرح میسازند راه‌حلهای جداگانه‌ی اندیشید. کره زمین - همانگونه که این تصویر مربوط به خلقت جهان موسوم به «بیت زمین» اثر سه‌لنگه‌ی تاتسوی «تروپوش» آنرا نشان میدهد اکنون به‌صورت يك «پروژکتان» درآمده است.

Photo © Max, Barcelona, Musée du Prado, Madrid

بعیده دارند تا لایه نازک جو زمین را با استفاده مفرط نیروی از موتورهای تندرو-سوز آن میان بگرد هیچگونه آهستنی داده نمیشود.

پس مفهوم «میراث مشترک بشری» تنها هنگامی ممکن است اعتبار قابل ملاحظه‌ی کسب کند که آشکارا بتواند حقوق و وظایف کشورهای را با کمال عدل و انصاف و یا به نسبت يك نابرابری‌ی که برای کشورهای روبسته-چینه‌ی جهان برانگیزنده داشته باشد تقسیم کند. اگر رفت يك میراث مشترک بشری است باید در هر کشوری که - قطع نظر از موقعیت جغرافیایی آن - معدن نفت وجود دارد چنین باشد. نفت آمریکا، انگلستان، نروژ و یا اتحاد جماهیر شوروی - همان اندازه که نفت خاورمیانه - باید بعموم مردم جهان تعلق داشته باشد. بالاتر از نفت باید مواد غذایی کشاورزی را جزء میراث مشترک بشری دانست که بزرگترین ابزار جهانی آنرا اکنون قاره آمریکای شمالی تشکیل میدهد و کشورهای تولیدکننده آن در برابر جامعه بین‌المللی موزامبا و جمعیت فقیر و گرسنه آسیا و آفریقا خصوصا مسئول شمرده میشوند.

و در صورت فقدان چنین شرایطی، هنگامی که یکی از سولان نوشته است. «این مفهوم، خاصه اگر قبل از موقع اجرا گردد بجای ایجاد زمینه مساعد برای برقراری نظامی از روابط تازه و منصفانه ممکن است پایه‌ی

چیز و همه‌کس بکار بست شونده علاقه‌مند هستند.

گفته میشود که حوزه‌های دو رودخانه آمازون و کنگورا که بزرگترین منابع اکسیرن در جهان بشمار می‌آیند میتوان نمونه واقعی میراث مشترک بشری به حساب آورد. به همین عنوان و از آنجا که اکسیرن برآیند گی کرغزمین بطور کلی مطلقا لااست از ایشرو کشورهای که کنترل حوزه‌های این رودخانه را به‌سند دارند در مورد اداره این ثروت حیاتی در برابر کل جامعه بین‌المللی پاسخگو هستند. یکتاجین، مفهومی گذشته از آنکه هیچگونه جنبه نادرست و ناشایستی در برقدار باید در چهارچوب اشتراک منابع و ثروتهای زمینی هم که منتهی بر همبستگی و عاری از هرگونه ملاحظاتی خودخواهانه ملی باشد قرار گیرد. ولی از رفتارهای پیدا و ناپیدای ملی چنین بر می‌آید که گویی تنها جهان سوم باید تعهدات ناشی از اجرای مفهوم میراث مشترک بشری را بگردن گیرد و کشورهای صنعتی از حقوق و مزایای مربوط بدان برخوردار گردند. به بیان دیگر، نوعی از تقسیم بین‌المللی کار که موجب دوام و حتی تشدید پدیده‌های سلطه-جویی می‌گردد مثلا کشور برزیل و کنگورا بمحافظت از اکسیرن ناگزیر میسازد تا قدرتهای صنعتی بتوانند بدلتواخ خود آنرا بسوزانند. بنابراین به‌شدت‌های که کشورهای ژرمنی‌د

تصویری که در اینجا مشاهده میکنید نشان‌دهنده دایای است که در صلح و هاشکی کار میکند. این تصویر را که در آن کارهای کشاورزی و خانگی پنجم می‌خورند تشریح گوانتینر متسی (۱۹۴۶-۱۹۴۶) نام از اهل لاندن در منطقه مدور يك آونگ تانتر گرفته است.

◀ اموال فرهنگ پیشنهاد شده است، آنچه اهمیت دارد توجه باین نکته است که تعمیم تدریجی این مفهوم با ایجاد تغییر شکل کامل در حقوق بین‌المللی که با تحولات عمیق شیوه زندگی و کیفیت زندگی همه انسانها مطابقت دارد یک جنبه کاملاً انقلابی بنماید گرفته است.

بهتر است بجنبه اهداف و تهیه و تنظیم مضمون آن نیز حقوق بین‌المللی در حال حاضر توجه داشته باشیم. کاملاً واضح است که تعمیم کاربرد احتمال مفهوم میراث مشترک بشری بوسیله‌ترین صورت خود در حقوق بین‌المللی در مرحله فعلی تحول انسانی هنوز یک امر غیر عملی محاسب می‌آید. ولی روزی فرا خواهد رسید که در آن بتوان این مفهوم را در تمام دروسید های حقوق بین‌المللی بری و بحری و هوایی، بکار برد و این خود یک انقلاب شگرفی بشمار خواهد آمد. درسامه این مفهوم، کاربرد حقوق بین‌المللی جدیدی ممکن است یا را از حدود ماده بر اثر با کالاهای ساخت کارخانه (خود کشور هم ساختنی) مانند هرگونه جنبه مادی و جسمانی (است) فراتر گذارد و مستقیماً ماده زنده مردم و بویژه انسان را که باید نخستین هدف در ایجاد ضوابط حقوق بین‌المللی محسوب گردد در برگیرد.

در زمینه ایجاد ضوابط و نهادها برای بالا بردن ارزش مفهوم میراث مشترک بشری هنوز کارهای بسیاری وجود دارد که باید انجام گیرد. در این مورد، مسائل مهمی که عموماً نژادی ندارند برای سازمانهای بین‌المللی و کشورهای مطرح خواهند گشت. دو نوع از این مسائل را که دارای اهمیت بیشتری هستند از یکسو حقوق بشر و از سوی دیگر محافظت از محیط زیست تشکیل می‌دهند و این دو قلمرو باید در درجه اول به مفهوم میراث مشترک بشری وابستگی داشته باشند. زیرا بهر تری برداری از ژئوفهای شگرف اصفق دریاها به نفع انسان در چهارچوب حقوق تازه بشری که سودی دارد وقتی که شرف و سلامت انسانی مورد تهدید قرار گرفته و محیط زندگی وی چنان بخرابی و تباهی کشیده شده که حیات او را به خطر می‌اندازد!

روز چهارم ژوئیه سال ۱۹۷۶ در مجمعی که به نامیت دویستمین سالگرد تصویب اعلامیه استقلال ایالات متحده از طرف نمایندگان سیزده مستعمره انگلیسی آمریکای شمالی، تحت سرپرستی بنیاد دالیویاسو، در شهر الجزیره تشکیل شد یک اعلامیه جهانی درباره حقوق ملل تصویب رسید. ماده ۱۷ این اعلامیه حق هر ملتی را برای بهره‌گیری از میراث مشترک بشری از قبیل دریاها، آزاد، اصفق دریاها و فضای ماوراء جوه مورد تأیید قرار می‌دهد. خود این متن نیز بطرز شجاعانه‌ای برای تعمیم تدریجی اصل میراث مشترک راه می‌گشاید. ولی برای اینکه میراث مشترک مفهوم واقعی خود را به دست آورد لازمست که ضوابط حقوقی خدمت بانسان را هدف اصلی و غایی خود قرار دهند زیرا بالاتر از همه بطور کاملاً آشکار نخستین میراث مشترک بشری خودانسان است.

بدینسان در همه نقاط جهان اندک‌اندک آگاهی بیشتری در مورد این واقعیت حاصل می‌شود که در دنیای ما ضرورت ایجاد میکند که انسان راجع به مسائل یک دید جهانی داشته باشد. این مطلب، مطمئناً در قلمرو بومشناسی نیز صدق می‌کند. طبق نوشته یکی از مسائلمت‌مداران آمریکایی بومشناسی سیاره زمین از هرگونه تقسیم‌بندی به اجزاء مجزا و متفاوت ملی بطور است. و پیشنهادی که او درباره ایجاد یک مرکز عالی قدرت بین‌المللی برای

بومشناسی ارائه کرده با منطق مطابقت دارد. در هفتین جلسه سومین کنفرانس مربوط به حقوق دریایی که در ماههای آوریل و مه سال ۱۹۷۸ در ژنو تشکیل گردید چند نفر از اعضاء درباره خطرات ناشی از لایه‌های نفت و روغن متحرک بر روی آب دریاها و دیگر اشکال آلودگی دریایی سخن رانده و پیشنهاد نموده که کنفرانس حمایت از محیط دریایی را به عنوان یک اصل عمده حقوق بین‌المللی بشمارند و نظام تازه حقوقی حاکم بر اقیانوسها را به صورت یک عامل واقعی درآورد که بتواند از طریق اجرای مفهوم نوگرایی میراث مشترک بشری که مسئولیت محیط زیست را در برابر نسل آینده بعهده نسل کنونی می‌گذارد، منافع همه کشورها و ملتها را، از جمله در زمینه حفاظت از محیط زیست، حفظ کند.

در نتیجه چنین بنظر می‌رسد که مفهوم میراث مشترک بشری برای برقراری یک نظم نوین اقتصادی و قضایی بین‌المللی از اهمیت عمده‌تری برخوردار باشد. ولی علم و تکنولوژی که اکنون بصورت وسایلی درآمده‌اند که قادر به فرآوردن درآمدهای منطقی برای مسائل درنده اقتصادی بشری هستند دیگر ممکن نیست تنها در خدمت نوبی از توسعه قرار گیرند که فقط یک اقلیت از آن سود میبرد، ادامه و

یا تجدید بی‌منطقی بنیادی نوبی از توسعه که در طول تاریخ انسانها تحمیل گردیده بعنوان درد و نغمه بیشترت فنی و علمی و انسانی دیگر امکان‌پذیر نیست.

هرگاه اشکال تازه انرژی و منابع تازه انسانی نیز در انحصار اقلیتی از ملل و طبقات اجتماعی قرار گیرند در اینصورت بشر بنسبت خود دربارا بسوی یک جنگ هسته‌ای خواهد گشت. هرگونه استناد نادرست از مفهوم میراث مشترک بشری بدترین و ناپایداری‌ترین رادخل برای آینده جهان ما بشمار خواهد آمد.

و اما در مورد امنیت اقتصادی صیبه جمعی باید گفت که چنین امنیتی یا فراگیر خواهد بود و یا اینکه هیچ بشمار خواهد آمد، امنیت اقتصادی باید همه کشورها و همه منابع آنها را در برگیرد و تنها در چنین شرایطی - که تحقق آنها در حال حاضر بسیار بعید بنظر می‌رسد - است که ابتکارات مهم از آنها معتر خواهد بود و انسان خواهد توانست که بطور واقعی تر بهشتی بهره‌بردار مشترک از منابع جهان را جایگزین تقسیم منابع جهان سازد.

محمد بجاویزی



Photo: Britannica Zoologica © Account of Man, B. G. Publications, London



Photo © Bulfinch, Musée de Louvre, Paris



Photo Lucchini, Unesco

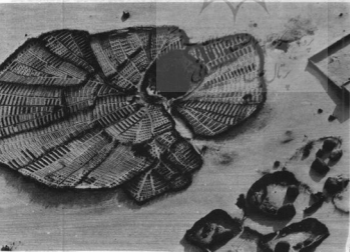


Photo Bruce Gerner © Knopf, Paris

خلیج سلیمان، پستخاس و
بهره‌برنداری از منابع طبیعی
فقردهایی هستند که منابع ملل
بدانجا بستگی دارد. اگرچه انسانها
در مورد این بستگی غرور و در
مورد برابری خود - که این قوش
برجسته‌نگشتانگیر دوازده حواری
روی یکی از صلیبهای ایرلندی
(سمت راست) متعلق به قرن نهم
میلادی نمادی از آن بشمار می‌آید -
دو زوروز آگاهی بیشتری بدست
می‌آورند با اینکه جوامع بشری

بسیار از هویت خاص خود چشم
نمی‌پوشند و این نوع هویت
فرهنگی است که موجب نشانی
میراث فرهنگی و طبیعی انسان
می‌گردد. در سمت چپ از بالا پایین
تصویر اول نشان‌دهنده قطعه‌ای از
پارچه لپتی (انجولی) است که روی
آن طرحی از رودخانه نیل و
تصاویری از انسانها، پرندگان،
ماهیها و حیوانات دیگر به چشم
می‌خورد. تصویر میانی نشان‌دهنده
معدن گروک «اوسپیل» در مصر
و تصویر سوم نشان‌دهنده یک
منظره‌ای هوایی از کشتزارها و خانه-
های مخصوص یکی از مناطق
مربوط به کشتورهای ماری است.